قسمت‌هائی از دفاعیات

مجاهدین خلق ایران

از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران

خرداد ماه ۱۳۵۱

از چپ به راست (ردیف اول) ناصر صادق ،محمود بازرگانی ،مسعود رجوی ،علی میهن‌دوست ،
منصور بازرگان ،مهدی فیروزیان ،حسن راهی (ردیف دوم) محمد تقی شهرام ،محمود احمدی
مصطفی ملایری ،محمود غرضی ،

آخرین دفاع ناصر صادق

بسم اله الرحمن الرحیم • انا له یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کانهم بنیان مرصوص • (خداوند کسانی را که در صفوف متحد و فشرده در راهش پیکار میکنند دوست دارد) ـ سوره صف •

در اینجا ما به اتهام کوشش برای سرنگونی رژیم کنونی ایران محاکمه میشویم • ما با کمال افتخار چنین اتهامی را قبول میکنیم • ما در دادگاهی محاکمه میشویم که نه خود آن و نه قوانینی که بر طبق آن ما را بمحاکمه کشیده و در مورد ما قضاوت می کند، قبول نداریم • دفاع ما بخاطر رفع این اتهام یا تخفیف محکومیت از پیش تعیین شده ما نیست • چون محکومیت ما درچنین دادگاهی و با این اتهامات ،باعث سرفرازی ما در پیشگاه ملت ایران و کلیه انقلابیون جهان و بالاخره تبرئه ما در دادگاه عدل الهی است • ما از روزی که آگاهانه قدم در این راه نهادیم دست از جان شسته و با زندگی مادی وداع کردیم • با اینحال چرا دفاع میکنیم ؟ دفاع میکنیم تا روشن شود مجرم واقعی کیست؟ دفاع میکنیم تا دوستداران ما و آنانکه صدای ما بگوششان میرسد بدانند که ما چرا و برای چه مبارزه میکنیم و چرا و توسط چه کسانی محاکمه میشویم دفاع میکنیم تا از خلال دفاعیات ما و رزمندگان گروههای انقلابی دیگر، مردم ما راه صحیح را یافته و در آن قدم گذارندو در پیش خود قضاوتی عادلانه نمایند گرچه در زیر فشار و خفقان حاکم نتوانندبه پشتیبانی علنی ما برخیزند • ما با مردم قهرمان خود که سالهاست در زیر ستم و دیکتاتوری بسر میبرند سخن میگوئیم • آنها هستند که باید در مورد ما قضاوت کنند • ما و صدها نفر دیگر از جوانان وروشنفکران انقلابی ایران بخاطر مبارزه و سرنگونی رژیم کنونی بزندان افتاده و مورد شدیدترین شکنجه ها قرار گرفتیم • این جوانان مبارز در طول زندگی خود نشان دادندکه انسانهائی هستند پاك وباعاطفه ،فداکار ،راز دار و از خود گذشته که حاضرند بخاطر تامین منافع اکثریت مردم ستمدیده جامعه جان خود را فدا نمایند • اینها فهمیده ترین ، روشن ترین جوانان کشور ما میباشند • نگاهی به سابقه زندگی و درجه تحصیلی اینها موید این ادعاست • احمقانه خواهد بود اگر کسی ادعا کند که این افراد بخاطر منافع شخصی خود دست بمبارزه زده اند • چون هر کس در این راه قدم میگذارد ابتدا با زندگی و منافع شخصی و حیات خود وداع گفته و سپس قدم در راه مبارزه گذاشته

است. اگر اینها هدفشان زندگی کردن و لذت‌بردن بود طریقی غیر از این انتخاب میکردند. هر کدام از اینها افراد براحتی میتوانستند زندگی کاملا مرفهی برای خود و خانواده خود تهیه کنندو مقام دلخواه خود را بدست‌آورند. حتی تعدادی از این انقلابیون از خانواده‌های ثروتمند و مرفه‌میباشند. البته این نوع تفکردر منطق کسانی که بخاطر بدست‌آوردن پول و رسیدن به مقامی حاضرند به هرکاری تن دهند نمی گنجد. و بهمین دلیل در دوران بازجوئی ها بارها مورد این سوال قرار گرفته ایم که شما که همه چیز داشتید پس‌چرا دست‌باینکار زدید ؟ البته ما در مقابل‌چنین افرادی باچنین طرز تفکری که خود ومنافع خود را محور قضاوت‌قرار داده‌اند جوابی نداشتیم !! اتهام اغفال‌شدن و یا آلت‌دست‌خارجی بودن نیز بما نمی چسبید چون اولا می بینیم‌که تمامی اینافراد حتی بعد از زندانی شدن و شکنجه‌های فراوان نیز بر عقیده خود پابرجا ماندند و بعمل‌خود افتخار میکنند و ثانیا آلت‌دست‌شدن اصولا برای منافع شخصی است‌که این مساله در مورد اینها هیچ مورد نداردو قبلا رد شده.

شمائیکه این افراد را بزنجیر کشیده‌اید و محاکمه میکنید، شمائیکه به آسانی آب‌خوردن حکم اعدام و یا زندانی شدن این‌جوانان را امضاء میکنید، آیا تا کنون لحظه ای فکر کرده‌اید که چرا هر روز بیش‌ازپیش‌روشنفکران‌جامعه ما دست‌از جان‌شسته و در این راه قدم میگذارند؟ هیچ فکر کرده‌اید که چرا باید در عرض‌یکسال ملت‌قهرمان ایران‌شاهد تیرباران ۲۰ تن و شهادت ۴۰ تن و زندانی شدن‌صدها نفر از بهترین‌فرزندان خود باشد ؟ [آخر شهدا تا حدی است‌که صادق مطلع شده بوده] مسلما نه. ما میخواهیم علت‌این‌جنبش و مبارزه ملت‌قهرمان‌خود را بیان نمائیم تا دلائل‌کار ما روشن‌شود. باین‌خاطر و برای‌جلوگیری‌از اطاله کلام هرکدام ما که در اینجا محاکمه میکنیم قسمتی ازاین مساله را مورد بررسی قرار میدهیم. صحبت من مربوط است‌به بررسی سیر تاریخی مبارزه ملت‌ما علیه غاصبین‌حقوق خویش. خفقان سیاسی واجتماعی از بین‌بردن‌آزادی‌های‌سیاسی ملت‌و اینکه چگونه مبارزه مسلحانه بعنوان‌تنها راه احقاق‌حق در برابر خلق ایران‌نمودار شده و گروه‌های مبارز انقلابی ازجمله‌گروه ما یعنی سازمان‌مجاهدین‌خلق در این راه‌پر افتخار قدم گذاشتند.

۷۰ سال پیش ملت ما برای رهائی ازقید حکومتی که اورا به‌ورطه فقر اقتصادی و خفقان سیاسی انداخته و اورا در بستراختیار کشورهای‌استعماری انگلیس وروسیه تزاری نهاده بود به‌قیامی خونین دست‌زد. نهال انقلاب مشروطیت ایران که از خون شهدای آزادی

آبیاری‌شده بود هنوز میوه‌نداده پایمال توطئه عناصر ارتجاع داخلی و استعمـــار خارجی گردیده. در واقع در همان موقع که به ستارخان و دیگر مجاهدان تکلیف‌شد که سلاح های‌خود را تسلیم کنند و تصمیم به خلع سلاح ارتش‌خلق گرفته شد انحراف‌آغاز گردیده. سلطنه ها ،ملك‌ها ،و دوله ها در راس‌کارها قرار گرفتند واینبار ،درلباس مشروطیت‌منافع خود و اربابان‌خود را تامین نمودند. وقوع‌جنك‌جهانی اول و پیروزی انقلاب‌سوسیالیستی و برافتادن‌تزارهای‌روس به‌اوج گیری‌روحیه ضد استعماری و ضـــد استثماری‌و تجلی آن بصورت‌افکار و جنبش‌های انقلابی ،استعمار انگلیس‌را که در آن‌زمان بعلت‌برافتادن رقیب‌شمالی (روسیه تزاری) حاکم بلامنازع صحنه سیاست ایران‌شده بود ، بر آن‌داشت‌تا با ایجاد یك‌حکومت‌مرکزی قوی ، هم منافع بیکران نفت‌را در اختیار خود گرفته و هم از موقعیت‌استراتژیك‌ایران در منطقه و بخصوص برای‌درگیری‌حتمی الوقوع آینده با اولین کشور سوسیالیستی (شوروی) استفاده‌کند به این‌جهت‌قرارداد ننگین ۱۹۱۹ که به قرارداد فروش‌ایران مشهور شده بود بدســت وثوق‌الدوله منعقد شد که خوشبختانه‌در اثر مخالفتهای‌عناصر وطن دوست‌واقعی لغـو گردید. بعد از ناکامی در این‌جریان نقشه حیله‌گرانه‌ای برای تسلط بر ایران‌طـرح کردند. باین ترتیب‌که در اواخر سال ۱۲۹۹ کودتائی برهبری‌سید ضیاء طباطبائـــی عامل‌شناخته شده انگلیس‌و رضاخان که سوابق " درخشانی " در نیروهای قزاق داشت و در سرکوبی قیام تبریز و نهضت‌انقلابی جنگل (تحت‌رهبری میرزا کوچك‌خان)خدمات شایانی کرده بود ،ترتیب‌دادند و سپس‌با یك‌مانور ماهرانه در مورد شیخ خزعـــل و فریب‌دادن‌حکومت‌سوسیالیستی شوروی کودتاچیان‌را ضد انگلیس‌ومترقی قلمـــداد کردند. با اینحال‌چون کودتاچیان‌ازهر گونه پشتیبانی مردم بی بهره ماندندناچار حکومت‌خفقان وترور و وحشت‌براه می افتد و ابرهای‌سیاه دیکتاتوری‌رضاخانی ۲۰ سال فضای‌اجتماعی ایران‌را تیره و تار میکند. هرگونه جنبش‌وحرکت‌در نطفه خفه میشود. نهضت‌انقلابی جنگل و قیام خراسان به رهبری کلنل محمدتقی‌خان پسیان سرکوب میشود. ترورهای مرموز و شکنجه‌های دژخیمان پلیس‌ارتجاع و استعمار و آمپول‌های سم و هوای پزشك‌احمدی‌آوازه اش‌همه جا میپیچد. مدرس‌ها ،ارانی ها ،عشقی هـــا بطور مرموزی‌بدست‌عناصر رژیم ارتجاعی کشته میشوند. لب‌های فرخی یزدی‌شاعـــر آزاده‌ای‌را که به حکومت‌مزدوران استعمارتاخته بود با سوزن میدوزند. نوامیـــس مردم‌مورد تجاوز قرار میگیرد. اموال و زمین‌های مردم بدست‌عمال‌حکومتی و در راس

آن دربار پهلوی بنا حق ضبط میشود. خاطره فجایعی که در سال ۱۳۱٤ در زیر عنوان کشف حجاب انجام میشود هنوز دلها را می آزارد. در همین دوران است که قوانین ضد مردمی که هرگونه جنبش و حرکت را از مردم سلب میکرد از تصویب مجلسین فرمایشی گذشت و هنوز به برکت همین قوانین است که آزادیخواهان ایران را محاکمه میکنند، به زندان و زنجیر میکشند و به جوخه آتش می سپارند.

خیمه شب بازی القاء امتیاز نفت دارسی به راه می افتده اما هنوز شبی به صبح نرسیده بود که قرارداد دیگری بسته میشود البته با بوق و کرنای اینکه امتیاز بیشتری گرفتیم و حق مالکیت خود را اعمال کردیم و از این قبیل تبلیغات. و درست در زمانی که مدت قرارداد رو به پایان بود برای ٦٠ سال دیگر تجدید میشود. بعدها تقی زاده وزیر دارائی وقت و امضاء کننده این قرارداد اظهار داشت که «من آلت دست بی ارادهای بودم» میدانیم که تقریبا تمامی درآمد نفت در آن زمان در راه ایجاد ارتشی نوین صرف شد. ارتشی که پشتوانه رژیم خفقان و ترور بود. ارتشی که صرفا بمنظور سرکوبی قیام ملت جهت احقاق حق خویش و استفاده در جنگ احتمالی بر علیه شوروی ایجاد شده بود، نه بخاطر حفظ کشور. چون نقش آنرا در شهریور ۲۰ دیدیم که چگونه از مقابل بیگانگان گریخت! کشیدن راه آهن سراسری به خرج کارگر و دهقان ایرانی و از مالیات قند و شکر، نیز یک نقشه استعماری بود و دیدیم که چگونه پل پیروزی متفقین نام گرفت و در واقع این ملت ایران بود که کمرش را خم کرده و از آن پل پیروزی ساخته شد.

بعد از شهریور ۲۰ بعلت شکستن سلطه دیکتاتوری و پلیسی و درگیریهای داخلی امپریالیسم، نیروهای ملی دوباره فرصت یافتند و بحرکت در آمدند اما در ایران متاسفانه بعلت نبودن یک رهبری پیشرو و تشکیلات منظم که بتواند خلق را در مبارزه ضد امپریالیستی و آزادیخواهانه اش بسیج کند ملت ما نتوانست همچون ملتهای چین و ویتنام و چندی بعد الجزایر از این فرصت تاریخی استفاده کند. فقط عده ای از عناصر ملی برهبری دکتر مصدق پیشوای ملت که با پشتیبانی و فشار مردم و بویژه تودههای شهری و قشر متوسط به مجلس شانزدهم راه یافتند علم مخالفت با منافع استعماری را بر افراشتند و علیرغم اخلال و کارشکنیهای عمال استعمار توانستند طرح ملی کردن نفت را از مجلس بگذرانند، ۲۹ اسفند ۱۳۲۹. برای اجرای این قانون بود که مردم حکومت را به مصدق سپردند و این تنها حکومتی بود که مردم بآن نام حکومت ملی و قانونی

دادند. زنان و پیرمردان با صرف پس اندازها و زینت آلات اندك خود اوراق قرضه میخریدند تا مصدق را در شکستن محاصره اقتصادی یاری کنند. سیاست مصدق برای رهائی جامعه زیر سلطه ما از قید استثمار بر دو پایه استوار بود. ۱ـ سیاست موازنه منفی یعنی استقلال ایران از قید هرگونه سلطه خارجی ۲ـ اقتصاد بدون نفت. اصل اول برای استقرار از هرگونه قید سلطه خارجی و اصل دوم جهت پایان دادن به عوارض سوء ناشی از حاکمیت اقتصاد یك پایه متکی به نفت بود. بازهم مردم مشاهده کردند که این حکومت ملی از طرف نیروهای خارجی وعوامل داخلی آنها مرتبا تهدید میشد. ملت ما با صدها کشته در روز ۳۰ تیر از مصدق دفاع کرد. توطئه ۹ اسفند نیز موفق نشد. کودتای ۲۵ مرداد هم از سرگذشت ولی بالاخره آنچه نباید بشود شد. مدارك انکارناپذیری که از توطئه کودتای ننگین ۲۸ مرداد در دست است شرکت فعالانه عوامل بیگانه را در تدارك توطئه کودتای ضد مردمی ۲۸ مرداد ثابت میکند.

در تحلیل نهائی اشتباه مصدق این بود که میخواست با منطق و حرف به جنك زور و قلدری برود. بنابر این، ما این درس را بخوبی آموخته ایم و جائی برای گفتگو از سر منطق و حرف نمی بینیم. بعد از کودتا تصفیه حساب با مخالفین شروع شد. قهرمانانی چون دکتر فاطمی ها، خسرو روزبه ها، شبستری و سیامك ها، کریمپورها، خلیل طهماسبی ها یا در زیر شکنجه فرماندار نظامی کشته میشوند و یا زنده زنده در آتش میسوزند و یا برگبار مسلسل سپرده میشوند. هر کس که مورد کوچکترین سوء ظنی واقع میشود تحت عنوان توده ای، کمونیست، خرابکار، دشمن مردم، دشمن اسلام، اهانت بمقام شامخ سلطنت، به محاکمه و زندان و شکنجه کشیده میشود ودست خارجیان در چپاول اموال ملت باز میشود. منابع نفت که ملت ما برای ملی کردن آن چه مشقاتی را که تحمل نکرده بود دوباره تحت اختیار امپریالیستها قرار میگیرد. عواید آنهم همچون گذشته تا آخرین دلار یا صرف تهیه اسلحه و مهمات وامانده و فرسوده ارتش امریکا و انگلیس برای حفظ رژیم سلطنت و یا صرف پرداخت به دستیاران امریکائی و اروپائی میشود و یا تحت عنوان برنامه های عمرانی صدها ملیون دلار به جیب شرکتهای خارجی و دستیاران داخلی آنها سرازیر میگردد بطوریکه چند سال بعد اعلام میشود که در این چند سال صدها ملیون دلار بعناوین مختلف حیف ومیل شده است. کتاب جنبش ملی نوشته جهانگیر عظیما آمار دقیق و جالبی در این زمینه دارد. اما طی همین سالها که وعده داده شده بود ایران با پول نفت بهشت روی زمین خواهد شد ملت ایران روزبروز فقیر تر و گرسنه

تر میگشت. جواب کارگرهای کوره پزخانه که طلب نان میکردندبا رگبارهای مسلسل داده میشود و ۲۰۰ نفر در این ماجرا کشته میشوند. اعتصاب معلمین و فرهنگیان با کشته شدن دکترخانعلی ومجروح شدنعدهای از فرهنگیان بپایان میرسد. جالب اینکه در تمام این موارد قاتلین مردم بعلت اجرای اوامر ارتقاء مقام مییافتند. سرگرد شهرستانی قاتل دکتر خانعلی سرهنگ شهرستانی میشود.

آیا باز هم انتظار دارید ملت که جواب خواستههای قانونی و طبیعی و عادلانه اش با رگبار گلوله و سرنیزه داده میشود ساکت بنشیند و دست به اسلحه نبرد؟ مسلما راه مسلحانه را دشمن به ملت آموخت. ملت بناچار دست به تفنگ میبرد. بعنوان تنها راه نجات. در سال ۳۶ قانون تاسیس سازمان امنیت (ساواک) در مجلس فرمایشی وقت بتصویب میرسد و باین ترتیب خفقان سیاسی موجود را جنبه قانونی می بخشد. از این پس ساواک است که مامور حفظ امنیت طبقه حاکمه و مبارزه با مخالفین میگردد بهمین دلیل با توجه به جو انقلابی دنیا و بالا رفتن اوج گیری مبارزات ضد استعماری و میهن پرستانه در بعضی ازکشورهای عرب وتاثیر آن در ایران لازم است که برنامه جدیدی اجرا شود. به توصیه صحنه گردانان گفتگو در گرفت. و باین نتیجه رسیدند که این تغییرات لازم است که با بعضی آزادیهای سیاسی همراه باشد تا هم نیروهای مخالف علنی و شناخته شوند و هم شیوههای اصلاح طلبی و سازشکاری که در رهبرانسیاسی آن زمان وجود داشت باب شود. اما این آزادی مصلحتی هم دیری نپائید. به گلوله بستن تظاهرات دانشآموزان تهران و کشته شدن یک دانشآموز بنام کلهر بدنبال حمله کماندوهای پلیس به دانشگاه در بهمن ۱۳۴۰ و مضروب و مجروح کردن دانشجویان و استادان بعلت مخالفت با نیرنگ «اصلاحات ارضی و آزادی دهقانان» «سرکوبی جبهه ملی ونهضت آزادی و سایر احزاب و دستجات» دستگیریهای وسیع دانشجویان مبارز «چهره واقعی و هدف اصلی این آزادی مصلحتی را نمایان میکند. پس از ناکامی این نقشه «امپریالیسم امریکا تصمیم میگیرد با پیاده کردن بعضی تجارب ضد انقلابی که در امریکای لاتین بدست آمده بود و مهمترین آن همین نیرنگ تقسیم زمین و فروش املاک بین زارعین است وضع بحرانی ایران را کمی تخفیف بخشد. لذا برنامه انقلاب سفید مطرح میشود و بلندگوهای رژیم ودستیارانش در ایران و سراسر دنیا به صدا در آمد و بی نظیر بودن چنین برنامههائی را در تمام طول تاریخ جهان و بشر تبلیغ میکنند. اما روشنفکران ایران که در پس این ظاهر فریبنده و نوهمانچهره استعمارگر سابق را دیده وهدف

چنین برنامه‌هائی را از قبل میدانستند به افشاگری برنامه‌های ساختگی و مردم فریب آن پرداخته و آنرا رسوا کردند. روحانیت نیز پس از سالها دوری از صحنه سیاست بعلت فعالیت بعضی از جناحهای سیاسی مذهبی نظیر نهضت آزادی ایران و نیز روشن بینی معدودی از روحانیون مترقی نظیر آیت‌اله خمینی برای مبارزه با فساد و ستم نشاندگی آشکار رژیم موجود قدم به عرصه مبارزه گذاشتندو با روشن کردن قشرهای مذهبی دامنه مبارزه را وسیعتر نمودند. رژیم ارتجاعی که میدید در چنین جو سیاسی متحرك و با موج عظیم مخالفتها نمیتواند برنامه های خود را اجرا نمایدلذا همزمان با عنوان نمودن انقلاب سفید، در تهران رهبران نهضت آزادی و جبهه ملی و عده زیادی از دانشجویان مبارز را دستگیر و زندانی نموده و در قم با حمله وحشیانه به مدرسه فیضیه عده‌ای از روحانیون جوان ومترقی را مضروب و مجروح نموده عده بیشماری را دستگیر و زندانی ساخت و چون با همه این فجایع نظر خود را تامین‌ندیددر ۱۵ خرداد ۴۲ و در هنگامی که احساسات مذهبی وضد رژیم توده‌های مذهبی به اوج خودرسیده‌بود دست به کشتار وحشیانه و ناجوانمردانه مردم بیدفاع در تهران وچند شهر بزرك ایران زد و بدنبال آن دستگیریهای وسیعی را شروع کرد. این وقایع آخرین تردید مبارزین ایران را در دست‌بردن به اسلحه و قهر مسلحانه از میان برد. مساله‌ای که از این پس مطرح بود چگونگی انجام این هدف بود. از این پس جامعه ایران شاهد رویش مداوم گروه‌های مسلح مبارزی بود که قصد داشتند از طریق انقلاب مسلحانه رژیم حاکم را که مانع پیشرفت و تکامل خلق ایران است واژگون کنند. ترور حسنعلی منصور عامل تصویب مجدد قراردادننگین کاپیتولاسیون یا مصونیت قضائی مستشاران امریکائی و بدنبال آن شهادت چهار نفر بخاطر این مساله ،کشف حزب اتحاد ملل اسلامی و گروه بیژن جزنی ، گروه فلسطین ،گروه نجف زاده ، گروه طوفان ،گروه آرمان خلق ،سازمان چریکهای فدائی خلق (که به گروه سیاهکل معروف شده‌اند) ،جبهه آزادیبخش خلق ،سازمان رهائیبخش خلق (سرخ) ،سازمان مجاهدین خلق و ده‌ها گروه دیگری که در یك‌سال اخیر کشفشده و تعدادی از افراد آنها دستگیر شده‌اندو گروه‌های زیادی که هنوز کشف نشده‌اند و مشغول فعالیتند،همه و همه نشانه اوج گیری انقلاب مسلحانه در کشور ماست. اگر سطح مبارزه در سال ۴۰ را با سال ۵۰ مقایسه کنیم به عظمت راهی که مبارزه خلق ما در این ده سال پیموده پی میبریم . ده سال پیش‌حد اکثر فعالیت‌رهبران سیاسی آنزمان صدور اعلامیه و تقاضای اعاده حقوق ملت از طبقه حاکمه بودکه با تودهنی و زندان و

زور و سرنیزه جواب داده میشد. ولی امروز ملت قهرمان ما حق خودرا با مبارزه مسلحانه با تفنگ، از کام غاصبین حقوق خود بیرون میکشد و این راهی است که ملت ما پس از ۷۰ سال مبارزه و دادن دهها هزار قربانی شناخته است. طبیعی است چون ملتی بخواهد قدم در مرحله مبارزه مسلحانه بگذارد باید متحمل قربانی های فراوان شود. نگاهی به تاریخ مبارزات ملل دیگر این مساله را روشن میسازد. بهر تقدیر سال ۱۳۵۰ سر آغاز یک تغییر کیفی در تاریخ مبارزات ملت ماست. سالی که مبارزین خلق تنها راه آزاد کردن ملت ما را از زیر ستم واستثمار داخلی و خارجی یافته اند: نبرد چریکی مسلحانه در شهر و روستا.

سازمان چریکهای فدائی خلق با تقدیم ده ها شهید، پیشاهنگ این راه مشترک بوده است وتجارب ذیقیمتی را برای مبارزه مسلحانه در ایران به ارمغان آورده است. به موازات اوج گیری مبارزات و پیدایش گروههای مبارز، رژیم نیز شدیدا در تقویت خویش کوشیده است. این امر ایجاب میکند که:

۱ ـ بیش از پیش دست سرمایه داران امپریالیست غربی را به ایران باز کرده و با تضمین و تشویق سرمایه گذاریها در زمینه های مختلف صنعتی ـ معدنی ـ کشاورزی آنان را در نگاهداری رژیم کنونی شریک گردانند. خواهیم دید که باین کار هیچ نامی جز حراج ثروتهای ملی کشور نمیتوان گذاشت.

۲ ـ چون پیوندی ارگانیک و ناگسستنی بین مبارزات ضد امپریالیستی در گوشه و کنار جهان خصوصا در منطقه وجود دارد و رشد هر کدام از اینجنبش ها تاثیر متقابل در پیشرفت دیگری میگذارد. لذا رژیم ایران میکوشد که پایگاهی مطمئن بر ضد این جنبش ها باشد و نقش ژاندارم منطقه را بخرج ملت فقیر ایران ایفا کند. و بهمین دلیل است که میبینیم بودجه دفاعی کشور ما ۴۳٪ از بودجه کل را تشکیل میدهد و اینجاست که از دلائل فقر و گرسنگی ملتمان را درمی یابیم.

۳ ـ با ترویج فرهنگ فاسد غرب و اشاعه فساد و هرزگی از طریق انتشار مطبوعات کثیف، ایجاد کاخ جوانان و سایر امکانات «تفریحی» جوانان ما را از شناخت مسائل اصلی و در نتیجه از مبارزه دور نگه میدارد.

۴ ـ اعمال خفقان شدید و شدت عمل جهت ایجاد روحیه یاس و خودباختگی در ملت و در مبارزین. لذا میبینیم که سازمان امنیت بر تمام شئون این مملکت تسلط پیدا کرده است. درهر اداره وهر کارخانه قسمتی بنام اداره حفاظت ایجاد کرده و با آوردن

افسران و درجه داران بازنشسته در راس این قسمت‌ها در صدد جلوگیری از اعتراضات و مخالفتهای افراد بر آمده با شناسائی افراد فعال و مبارز و اخراج و دستگیری آنها هر گونه مخالفتی را در نطفه خفه‌مینمایند.

۵ ـ تقویت‌شدید پلیس و ساواک جهت کشف و سرکوبی گروه‌های مبارز و در صورت مقاومت کشتاربیرحمانه آنان و بالاخره سرکوبی کسانی که با وضع کنونی سر به اعتراض برداشته اند. کشتار ناجوانمردانه و بیرحمانه جلادان ساواک در یک‌سال اخیر، کشتارکارگران چیت‌جهان که بخاطر اضافه دستمزد اعتصاب نموده بودند. حمله به دانشگاه ومضروب و مجروح نمودن دانشجویان و حتی استادان جوان، دستگیری‌های وسیع مخالفین اعم ازاستاد دانشگاه، روحانیون، دانشجویان، کارگران، دهقانان وکارمندان و غیره. محکومیت های‌طولانی مدت و متعاقب‌آن شکنجه ها و اعدام‌ها و ... همه اینها حاکی از این است که تضاد منافع بین رژیم حاکم و ملت‌ایران چنان عمیق است‌که برای نجات و حفظخود چاره‌ای‌جز دست‌زدن وشدت‌عمل برایش باقی نمانده است. آخرین مساله‌ای‌که به آن اشاره میکنیم مساله شکنجه است. شکنجه شدید متهمین سیاسی بدست‌ماموران امنیتی اعم از پلیس و ساواک. مبارزین پس‌از دستگیری با وحشیانه ترین شکنجه ها روبرو هستند. سوزاندن با اجاق برقی مشوک‌های برقی، کشیدن ناخن مشابه‌های سیمی از کابل برق و بسیار شکنجه های‌دیگر که از گفتن بعضی از آنها شرم دارم. آقایان دادرسان و آقای‌دادستان، اگر اداره دادرسی ارتش‌در خدمت‌منافع طبقه حاکمه نیست‌چرا فقط انقلابیون بمحاکمه کشیده میشوند و تیرباران میگردند؟ چرا ماده ۱۳۱ که طبق آن‌ماده شکنجه جهت‌گرفتن اعتراف‌جرم است و اگر متهم در زیر شکنجه بمیرد شکنجه گر قاتل محسوب‌میشود بمورد اجرا گذاشته نمیشود. آیا شما از شکنجه‌های ما خبر ندارید؟ آیا نمیدانید که عباس‌مفتاحی را ۱۵ روز متوالی تحت‌شکنجه قرار دادند؟ آیا نمیدانید که مسعود احمدزاده، اصغر بدیع زادگان، همایون کتیرائی و چند نفر دیگرراشدیدا سوزاندند ؟ آیا نمیدانید که بسیاری‌از متهمین در اثر شدت‌ضربات‌وارده شنوائی خود را از دست‌دادند ویاشکنجه درمورد عده‌ای منجر به شکستن استخوانهای‌دست و پا و صورت‌آنها شده است؟ هنوز آثار شکنجه در بدنها از بین نرفته است. بالاخره آیا نمیدانید که بهروز دهقانی در زیر شکنجه دژخیمان ناجوانمردو قاتل‌رژیم به شهادت‌رسید ؟ آیا از علت‌شهادت‌آیت‌اله سعیدی‌که در اثر شکنجه شهید شد خبر ندارید. ما از رژیم ضد خلقی و دست‌نشانده‌ایران انتظاری‌جز این نداریم . این را گفتم که

شما بدانید برای چه کسانی خدمت میکنید. البته خلق ایران خائنین را میشناسند و بسزای این جنایات را داده ومیدهند " و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون" (ستمگران بزودی خواهند دانست که چگونه آنها را زیر و زبر میکنیم) قرآن .

از آنچـــه در دادگاه گذشت:

مبارزین سازمان مجاهدین خلق ایران در دادگاه خود را تبعه خلق ایران معرفی کردند. وقتی شغل آنها پرسیده شد جواب دادند " مجاهد" .

★ ★ ★

در دادگاه گروه اول از سازمان مجاهدین خلق ایران ،پس از اتمام اعلام رای در همانجا کتبا مفصلی به مبارزین زدند که چرا اینچنین از خود دفاع کرده اند. چون ایشان از دادن تقاضای تجدید نظر خودداری کرده بودند ٤ روز مداوم تحت شکنجه قرار گرفتند تا اینکه اولا تقاضای تجدید نظر کنند و ثانیا آنچه را که ساواک بآنها دیکته کرده بازگو کنند. این مجاهدین جان بر کف سخت مقاومت کردند و بالاخره ساواک ازجانب خودش ،یعنی دادستانی ارتش برای ایشان تقاضای تجدید نظر کرده است.

★ ★ ★

ناصر صادق در پایان دادگاه خطاب به رئیس گفت اگر دادگاه علنی است مدافعات ما بدهید مطبوعات چاپ کنند ،رئیس دادگاه میگوید ارباب جراید اینجا حضور دارند اگر بخواهند چاپ میکنند خبرنگاران گفته بودند چون در مدافعات بمقام سلطنت اهانت آنرا چاپ نمیکنیم . ناصر صادق دفاعیات خودرا به وکیل سوئیسی داده بود که بعد از پایان دادگاه ماموربن ساواک اورا بازرسی کرده دفاعیات را از او گرفتند .

★ ★ ★

چهار مبارز محکوم به اعدام از سازمان مجاهدین خلق در دادگاه اعلام همبستگی با سایر گروهها را نمودند وسفارش کردند که این اولین قدم برای تشکیل جبهه متحد میباشد، درود به فرزندان خلق که تا دم مرگ لحظه ای از پیشبرد انقلاب غافل نیستند .

آخرین دفاع مسعود رجوی ۲۷ بهمن ماه ۱۳۵۰

قبل از وارد شدن به حرفهای اصلی چند نکته هست که باید تذکر دهم. اولا مهندس لطفی بهپور استادیار دانشگاه پهلوی بر خلاف آنچه در کیفر خواست آمده درفلسطین دوره ندیده است. ایشان با پاسپورت معمولی چهار الی پنج روز برای ترجمه مذاکرات ما به بیروت آمدند. در بعضی از مذاکرات که سری بود من خودم ترجمه میکردم و ایشان حضور نداشتند. مساله راجع به اسلحه و انبار مهمات که در اجاره رسمی مهندس فیروزیان بود در حقیقت ارتباطی با او نداشت و متعلق به من بود. من در اینباره تقاضا کردم که ناصر صادق و محمد حنیف نژاد برای شهادت به دادگاه آورده شوند که راکد ماند. در مورد ربودن هواپیما و مجازات درخواستی هیچ قانونی نیست چون من بعنوان یک دانشجوی حقوق میدانم که ماده عطف بماسبق نمیشود. در مورد مهندس غرضی باید بگویم که اولین بار است که ایشان را میبینم و نمیدانم ایشان چطور به کیفر خواست ربط داده شده است. در مورد اسلحه و مسلسل، قسمتی از گفته های مقام امنیتی که بیشتر مرا عصبانی کرد راجع به ژست تبلیغاتی و بیرون رفتن ارز برای خرید اسلحه است. من ارز خارج کردم و مملکت را فروختم یا شما؟ این هتلها کاباره ها و کازینوها مال کیست؟ اگر خودش ندزدیده پس پدرش دزدیده. باری شما بهتر میدانید. ناصر صادق سوار موتور بود و من دوچرخه داشتم. این رولز رویسها را چه کسی سوار میشود؟ چه کسانی در بانک های سویس پول رویهم انباشته میکنند؟ بعضی از مطبوعات حقایق را چاپ میکنند. در مجله امریکائی NATION فتوکوپی چکها چاپ شده است. آقای رئیس! کریستین دیور در پاریس لباسهای چه کسی را می دوزد؟ برای ضیافت های شب از لاهه گل سفارش میدهند. مصرف کنیاک و شامپانی که از خارج برای وزارت خارجه سفارش داده میشود سر بفلک میزند. آقای دادستان میگوید دادگاه علنی است. علنی یعنی اینکه وقتی در روزنامه ای گفته های آقای دادستان را چاپ میکنند جوابهای مسعود رجوی را هم کنار آن چاپ کنند. فقط کسانی حق ورود باین دادگاه را دارند که اجازه مخصوص از سازمان امنیت داشته باشند. در روزنامه چرا نوشتند که ما رویه اشتراکی داریم و وقتی که توضیح میدهیم میگویند اشتباه لفظی بود. تازه همین دادگاه را هم بخاطر چشم و ابروی ما تشکیل ندادند. اوج گرفتن جنبش خلق مجبورشان کرد. رادیو عراق اسامی ما را گفت و فیلسوف فرانسوی ژان پل سارتر تقاضای شرکت در دادگاه ما را کرد. الفتح اعلامیه مخصوص انتشار داد و اعتراض

ها ی گوناگون دیگری‌شد. پس منافعشان ایجاب میکرده است که همین دادگاه را هم برای ما بگذارند... ما با گلوله‌معامله‌میکنیم‌همانطورکه‌با فرسیو کردیم.....

من هفده سال درس‌خوانده‌ام و با اندازه خودم مطالعه کرده‌ام و میدانم که‌تقاضای ما قانونی است در کیفرخواست‌آمده است که ماشین پائی که آنجا بوده مرده‌است کو اسمش؟ کو مدعی خصوصی؟ کو محل اقامت او ؟ میگویند ۵ ملیون تومان از بانک پول گرفته شده است. اگر دادگاه علنی میبود میبایست محمد حنیف نژاد و اصغر بدیع زادگان صحبت میکردند. چرا حنیف نژاد بنیادگذار گروه در اینجا نیست؟... منکه حرف میزنم میخواهم حرفم شنونده داشته باشد. مکرر صحبت برادران ما را قطع میکنند. ما از رژیم بیش‌از اینها انتظار نداریم. حالا وارد اصل مطلب میشویم:

یکی از آثار مهم دوره رضا شاه ،یعنی شروع دوره دیکتاتوری خشک‌شدن ریشه رجال واقعی و مومن و میهن‌پرست است. در جنگ‌داشتن سلاح مهم است ولی انسانهم تر است. رژیم رجال کشور را یا جذب کرد یا عوض نمود یا آنها را خرید و یا از کار برکنارشان کرد ، و یا کشت. من و دوستانم از فرزندان دکتر مصدق هستیم که به پول و مقام پشت‌پا زده ایم ولی مستوفی الممالک‌هائی هم بودند که مثلنیکخواه خریده شدند. اینها بعنوان نصیحت‌بما گفتند که « ما تا چانه در گل‌هستیم مواظب باشید تا فرق‌سرتان در گل نرود» آنهائی که تا فرق‌سر و چانه در گل‌رفتند بعدا خیلی تاسف‌خوردند که از طرف‌مردم نستوه به سینه‌هاشان خورد. آقای‌دادستان اگر دلمان میخواهد میتوانند گوش‌نکنند ولی بدانند که ایشان مامور هستند ولی معذور نیستند. مواظب‌باشید فردا وضعتان از اینهم بدتر نشود. هیچکس‌پشت‌سر سپهبد آزموده صلوات‌نفرستاد.

دادستان اعتراض‌کرد و گفت‌از باطن و ظاهر من حرفی نزنید.

ـ..... رژیم اجبارا و برای‌ادامه حیات لباس‌عوض‌کرده‌است. اصلاحات‌ارضی و دادن سهام کارخانجات‌بعنوان پشتوانه به فئودالها ایشان‌را بیش‌از پیش‌متنعم کرده است. در واقع با این‌کار میخواستند بوژوابازی‌در آرند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد بوژوا بازی‌مد روز بود... بسیاری‌از کارخانه ها ورشکست‌و کارگران اخراج‌شدند..... جهان‌سوم میدان تاخت‌و تاز سرمایه داری‌کشورهای‌بزرگ‌شد. گسترش‌فساد اداری ، رشوه خواری‌و بدبختی مردم از طرف‌هیات‌حاکمه اعمال‌میشود ... احتیاج به توضیح ندارد. زاغه ها و حصیر آباد تهران‌را ببینید. جوادیه‌و

نازی‌آباد را ببینید. مردم فقیر اگر بیمار شوند مجبورند و محکومند پشت دربیمارستان جان بسپارند.

طبق گزارش روزنامه اطلاعات که ارگان بازگو کننده خدمات مسعودیهاست، پشت سالن انتظار به بیماری برخورد کردند که ۵ روز با انتظار پزشک مانده بود. یا بیماران بدبختی را دیدند که مقابل بیمارستانهای سینا، امیر اعلم، در پیاده رو، روی پله ها و کنار دیوارها با انتظار نشسته بودند و در معالجه شان شتابی بچشم نمیخورد. مرد سرطانی روزها در انتظار اشعه ایکس پشت در میماند. این گفته روزنامه ایست که سر سپردگانش از فرمانبرداران نوکر صفت رژیم هستند. در روستاها استثمار دولتی جایگزین استثمار مالک شده است. انبوه خوش نشین‌ها چیزی بجز قرضهایشان را ندارند که از دست بدهند. همین هاست که آمادگی انقلابی بوجود می آورند. روستائیان وضعشان بدتر و بدتر میشود. تنها راه مبارزه راه انقلاب مسلحانه توده‌ای باقی میماند.

ـ دادستان صحبت را قطع میکند: چون دادگاه علنی است از اختیارات قانونی خود سوء استفاده میکنید و مطالب را تحریف و بمقدسات اهانت میکنید.

ـ رجوی: آقا دادگاه رئیس دارد. مگر نوبت شماست که حرف میزنید؟ دفاعیات ما همه در رفع اتهامات مذکوره است. بقول خودتان جلسه علنی است. مگر ما حرف منافی اخلاق زده ایم؟

ـ دادستان: اگر ادامه دهید تقاضای سری بودن دادگاه را خواهم کرد.

.....

این دادگاه امشب یا فردا شب تمام میشود. امشب یا فردا شب آخرین شب ماست اگر اعدام نشویم لااقل به حبس ابد محکوم خواهیم شد. رفقای من بعلت قلت وقت دفاعی که فقط نیمساعت است بعد از من دنباله متن دفاعیه را در موارد سیاسی، اقتصادی ما کشاورزی و تاریخچه سازمان و تضییقات راجع انقلابیون ادامه خواهند داد. مسلما این اطلاعات کافی نخواهد بود. چون وقت ما اجازه بیشتر از این را نمیدهد. در این دفاعیه به علت محظورات زمانی و مکانی (تا آنجائیکه شرافتمان اجازه میدهد) حتی‌المقدور از بردن اسامی و ذکر تواریخ خودداری خواهیم کرد. محمود عسگرزاده، مهندس بهمن بازرگانی، و مهندس علی باکری بعد از من همه چیزها را میگویند.

مساله اساسی سیاست خارجی ماست. به عامل بدبختی اشاره شد. عامل بدبختی من و شما، بدبختی همه خلق، امپریالیسم بین‌المللی است. عروسکهائی در اینور و

آنور دنیا سرکارند که اگر به خودشان بودندیك لحظه روی پایشان بند نبودند. کائو کی ،ملك‌حسین ،ملك فیصل . بنده یك لحظه هم اسم‌رژیم را نمی آوردم . این روزها یك‌فریب بزرك ،بخاطر حفظ تجاوز عمومی ،علیه ناموس کلمات‌وجود دارد. کلماتی از قبیل تساوی ،صلح و سازش ،کمك کشورهای بزرك به کشورهای کوچك و کلماتی از قبیل صلح بین‌المللی ،تفاهم و سازش متقابل کشورها و کمك کشورهای قدرتمند به ضعیف که در نوشته‌های رسمی سازمان ملل آمده است وسیله‌ای برای‌حفظ نظم موجود،که در واقع چیزی‌جز تجاوز عمومی نیست‌شده است. اینها همه دروغ است. نه صلح ،نه سازش، و نه تفاهم هیچکدام مطرح نیست بیائید نه خود را بفریبیم نه دیگران را . امروز در دنیا دو جناح وجود دارد. دریك‌طرف محرومین ،گرسنگان ،آوارگان فلسطینی‌ومبارزین وجود دارندو در طرف‌دیگر اغنیاء ،صاحبان ناپاك‌فانتوم و چاه نفت ،ماشینهای‌جنگی و کارخانجات‌عظیم . بین اینها هیچ رابطه ،هیچ تفاهم مطرح نیست.

ما باینکه در طرف اول‌قرار داریم افتخار میکنیم . ما بجرم خود افتخار می کنیم . ما به اینکه دست‌در دست‌چریکها برای نابود کردن امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه میکنیم افتخار میکنیم . به غیر از نبرد یا تسلیم راه دیگری‌وجود ندارد یا نبرد است‌مثل فلسطین ،چین و ویتنام و یا اسارت‌مثل‌خودمان . باید تذکربدهم که این تناقض‌مایوس‌کننده نیست. انسان بدون گرفتاری تصفیه نمیشود. روی‌سخنم به پدر و مادرهائی است‌که فرزندانشان اسیرند. این فلسفه هستیست. وجود آنها از بین‌خواهد رفت‌ولی صبح نزدیك‌است باید تحمل‌کرد.

از آغاز سده جدید ۸۰۰ ملیون در چین و ۳۰۰ ملیون در شوروی‌آزاد شدند. در خاور میانه و امریکای‌لاتین غوغاست. امروز در تهران بانك میزنند،سفیر ایالاتمتحده در امریکای‌لاتین اعدام میشود،اعتصابات‌کارگری‌اسپانیا را فلج‌کرده است. نهایت این‌درگیری‌ها ایجاد جامعه جدید است‌ سلطه امپریالیسم اشکال‌گوناگون دارد،یکی از آنها سلطه‌سیاسی است. یعنی پرچم زدن و مستعمره کردن . طریق دیگر سلطه‌اقتصادی است. در این‌سیستم سر رشته امور اقتصادی‌در اختیار اجنبی قرار میگیرد.... زیر بنا در رو بنا موثر است. این روبنای‌سیاسی تحت‌تاثیر زیر بنای‌اقتصادی‌است نمیشود منافع نفت« یك‌کشور » را تاراج کنند ولی انسان‌حرف‌نزند. انسان وقتی چیزی‌نداشته باشد با چنك‌و ناخن و دندان‌حساب‌طرف‌را میرسد. پس‌باید مردم را فریب داد. باید مردم را به انواع مختلف‌ساکت‌کرد. ورزش‌بازی ،کاخ بازی ،کاباره‌بازی

و اگر نشد با ساواك و تیرباران و ازاین قبیله امروز دادستان و ما هر دو بـــه "حق" استناد میکنیم . آقای دادستان میگویند مصادره بانك و سرقت بر خلاف قرآن است. میپرسیم کدام قرآن؟ قرآن را عوضی نشان داده‌اند. چون منافی منافعشان بود و نمیتوانستند آنرا از بین ببرند عوض کردند. در قرآن آمده که هر کسی تا آنجا مالك شیئی است که خود برای آن زحمت کشیده باشد. این چیزی است که مارکسیسم و سوسیالیسم انقلابی هم میگوید و ما تا آنجا مخالفتی نداریم . حال بعقب بر گردیم و عملکرد کارمان را ببینیم . ببینیم تاریخ چه میگوید. تاریخ استقرار سلطه خارجی در ایران از بی کفایتی اولیای امور شروع شده است. در قرن گذشته روس و انگلیس آمدند و ایران را تقسیم کردند. عده‌ای از رجال طرفدار روس بودند و عده ای طرفدار انگلیس. یك قرضه بانك روس منتشر میکرد، یك قرضه بانك انگلیس . در ۱۹۰۷ که ایـــن قرارداد ننگین بسته شد ایران به دو قسمت تقسیم شد. بعد از انقلاب اکتبر تمـــام امتیازات استعماری تزارها از بین رفت. دولت شوروی بانك و پولها را تعویض کرد و رفت. تنها انگلیسها ماندند. با انقلاب سوسیالیستی مخطر بر داشتن اختلافات طبقاتی احساس شد و انگلیس ایران را پایگاهی علیه اولین دولت شوراها قرار داد و آنرا از لحاظ استراتژیکی مقدم بر هند شمرد. همزمان با اولین استخراجات نفت ایران ، کودتای سوم اسفند را ترتیب دادند. نفت ایران بقدری برای انگلیس حیاتی بود که دیدیم با بسته شدن کانال سوئز لیره انگلیس سقوط کرد. بقول مصدق فقید طرحی که انگلستان اجرا کرد خیلی ماهرانه بود. اولا تشکیل ایران واحد یعنی سرکوب قدرتهای محلی مانند شیخ خزعل وجنگل (که تجربه تاریخی گرانبهائی برای ملت ایران است) و از بین بردن اسماعیل آقا در آذربایجان. باین ترتیب اساس یك حکومت مقتدر ریخته شد. حکومت مقتدری برای حفظ سلطه انگلیس . حکومتی که فایده آن بعد از شهریور ۲۰ روشن شد. بعد از سرکوبی های لازم ، بعد از تبدیل مجلس به یك مجلس بی اراده و ایجاد ثبات لازم ، بالاخره در سال ۱۳۱۲ مساله اصلی نفت مطرح شد و قرار داد ۱۹۳۳ بسته شد. مثل پاورسال اول تبلیغات و چراغانی و میتینك بود و بعد امضای تقی زاده پای قرار داد ننگینی که توسط دکتر مصدق لغو شد . این قرارداد دو هدف اصلی داشت. اولا مدت قرارداد تمدید شد یعنی به مدت قرار داد دارسی که ۶۰ سال بود ۳۰ سال اضافه شد. ثانیا برای مقابله با مساله استقلال طلبی عراق که ممکن بود باعث جنبش مردم شود. طبق این قرار داد اگر وضع عراق عوض میشد منافع انگلیس ثابت میماند. از ایـــن

سالها میگذریم. در شهریور ۲۰ تمام ایران زیر سلطه خارجی رفت. بعضی از افسرها با چادر در رفتندو ایران فقط ۳ ساعت‌دوام آورد. جنگ‌دوم هنوز تمام نشده بودکه طرح تجزیه ایران این بار بوسیله انگلیس و امریکا ریخته شد و دولت‌شوروی آنزمان بسرعت‌طرح را رو کرد. این قرار داد توسط دولت‌حکیمی شد. آیا وقتیکه نخست‌وزیر ایران‌طرح تجزیه کشور خود را بریزد ما حق نداریم بگوئیم که " تابع ملت‌و خلق ایران‌هستیم نه دولت‌ایران ؟" این‌طرح با مجاهدات‌طاقت‌فرسای مصدق رد شد. تا آدم خودش‌در فشار نباشد نمی فهمد فشار یعنی چه ،تهدید یعنی چه . وقتی این‌طرح رد شد معاون وزارت‌خارجه شوروی‌در مورد امتیازات نفت گفتگوهائی بعمل‌آورد چون دولت‌شوروی‌جوان بود و از دولت‌انگلیس‌وحشت‌داشت‌و از طرفی دولت‌انگلیس‌بخاطر امتیازات نفت‌خود در جنوب‌حاضر به معاملاتی در باره نفت‌مناطق‌شمالی بود.برای همین امر ،نخست‌وزیر وقت‌ـ ساعد ـ به سفیر روس‌وعده هائی داده بود. ولی ملیون بیکار ننشستند و با کوششی زیاد ماده گذراندند که ضمن آن‌جلوی‌سلطه شوروی گرفته شدو دادن‌هر گونه امتیازی بهر نحوی‌مسکوت‌گذاشته شد و بموافقت‌بعدی مجلس‌موکول گشت. با اینهمه امپریالیسم از جان ملت‌فقیر دست‌بر نداشت‌و در سال ۱۳۲۹ رزم‌آرا را از ستاد ارتش‌به کرسی نخست‌وزیری نشاند. رزم آرا در لباس‌ظاهر فریب‌خود مختاری‌ولایات‌در امور داخلی این لایحه را بمجلس‌برد. وظیفه دیگر این‌خون‌آشام این‌بود که لایحه مربوط به نفت‌را بمجلس‌برساند. باز هم ملیون که رهبری‌آنها را دکتر مصدق بعهده داشت‌پس‌از مشاجرات‌و مباحثات‌و زحمتهای‌زیاد توانستند آنرادر نطفه خفه کنند و جلوی‌سلطه خارجی را بگیرند. قرار داد منتفی شد. سپهبد رزم آرا با انتقام بازی‌کردن‌با سرنوشت‌ملت بقتل‌رسید.

بر گردیم به نفت ــ اوضاع داخلی مملکت بعلت‌رشد سیاسی مردم تب‌و تاب دیگری‌داشت. بعد از شهریور ۲۰ مصدق نفت‌را تبدیل‌به یک‌شعار و انگیزه ملی کرد صفوف‌مردم را متشکل‌و شعله ها را فروزان‌تر ساخت. بعد از مجلس‌۱۵ نمایندگان واقعا مجاهدت‌کردند. شرکت‌غاصب نفت‌ایران و انگلیس‌که در واقع نماینده دولت انگلیس‌بود از تطمیع نمایندگان گرفته تا حبس‌آزادیخواهان از هیچ‌چیز فرو گذار نکرد. حتی طرح آنچه که امروز " اصلاحات‌ارضی " است‌در آنزمان بوسیله تقسیم‌املاک سلطنتی ریخته شد. مساله ظاهر فریب‌تقسیم املاک‌سلطنتی برای‌فراموش‌کردن مساله نفت‌از اذهان طرح‌شده بود. با اینهمه نفت‌همچنان‌در مرکز افکار مردم بود.

نان درتهران قحط شد • سر انجام اراده خلق راه خود را پیش‌برد و در ۱۳۲۹ نفت ملی شد•

آنروز طعم پیروزی مردم چشیده شد• بعد از آن روزهای پر افتخار دیگری در پیش بود • پیروزی بر انگلیس‌در مورد نفت و دیگر روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ روز تجلی اراده خلق• در آنروز خلق بر ننك تسلیم‌پیروزشد• البته در آتیه از این روزهای طلائی بسیار خواهیم داشت• باید گفت‌که مشروطه برای مدت‌محدودی‌دوام آورد• در ۲۸۰۰۰ (که سال و ماه آنرا نمیگویم)مشروطیت‌بخاك‌سپرده شد• شکست‌نهضت‌بحکم تاریخ ضرورت داشت• احتیاجی نیست‌که من سیاست‌دولت‌مصدق را روشن کنم • او نمیخواست‌هیچ سلطه ای‌بر کشور ما بر قرار باشد• از نظر اقتصادی اولین و آخرین بودجه متعادل را تقدیم به مجلس‌کرد• برای اولین بار صادرات‌با واردات‌برابری میکرد• بهرحال آن روز گرم تابستان به سیاهی و سردی تبدیل‌شد•

وضع سیاست‌خارجی تبدیل‌شکل‌داد••••••• ازابتدای قرن اخیربه‌علت نابسامان بودن وضع اقتصادی‌ومبارزات ایدئولوژیك مخصوصه انقلاب کبیر« آگاهی سیاسی مردم جهان بالا رفت• دوجنك تجاوزکارانه که صرفا بخاطر منافع استعمار بود به‌این امر کمك زیادی کرد•در این دوجنك کمر دوامپریالیسم غدار شکسته شد•انگلیس‌وفرانسه• الجزایر و ویتنام آزاد شدند• درمستعمرات‌هروز جنبش تازه‌ای درمیگرفت وضرب‌المثلهای«آفتاب هرگز در مستعمرات‌انگلستان غروب نمیکند» و « هر جا موجی باشد ساحلی‌انگلستان است» از بین رفت• بقول یك انقلابی بعد از جنك‌آنچه باقی میماند در مجموع و بطور کلی بنفع نیروهای متوقی است• خود جنك‌افروزها بیشتر از جنك‌هراس‌دارند علت‌بکار نبردن جنك ،ترس از تلفات نیست‌چیز دیگری است•

در پایان جنك‌امپریالیسم ناجوانمرد دیگری‌بروز کرد و قدم در راه انگلیس گذاشت• این کهواستعمار طلب ،ایالات‌متحده امریکا بود که اکنون در ویتنام برای کاتو کی سینه میزند و در ممالك‌دیگر پشتیبان ارتجاع است• در ایران (بمن می گویند راجع به امریکا نگو !) کار بجائی کشید که امریکا طلب‌سهم خود را میکرد• اشتباه دولت‌وقت(مصدق) عدم توجه به ماهیت‌امپریالیسم امریکا بود• امریکا تمام سهم نفت‌عربستان‌سعودی‌را بخودش‌اختصاص‌داده بود و در مورد ایران‌هم نقشه مشابهی داشت• این بود که مسائل‌به آن روز کشید که نباید بکند• ابتداشوارتسکف بایران‌آمد و بعد شاهزاده خانم ایرانی و •••• زاهدی‌و شعبان جعفری‌با هم کودتا

کودتا. دکتاتوری نظامی دوباره با شدت بیشتر ادامه یافت. شکنجه و تیرباران قهرمانان آغاز شد. دکتر حسین فاطمی با ۴۰ درجه تب بعد از تحمل شکنجه های طاقت فرسا بپای چوبه دار برده شد. کریم پور شیرازی زنده زنده سوخته شد. روزبه از قهرمانان شرافتمند تیرباران شد. از این پس سیل مستشاران از ایالات متحده بایران سرازیر شد. تمام کمک های خارجی بجز تجاوز چیزی نبود.

یکی از آقایان دادرسان خوابیده است (خنده حضار)

بهرحال از نظر اقتصادی بزودی واردات ۷ برابر صادرات شد. تحت تاثیر سلطه خارجی تورم ارزی ایجاد شد بطوریکه در ۱۳۳۶ ریال بنحو چشمگیری تنزل کرد ولی دلار بالا رفت.

ـ رئیس دادگاه : به کیفر خواست مربوط نیست.

ـ ... وقتی آبها از آسیاب افتاد و مخالفین سرکوب شدند یک مجلس فرمایشی تشکیل شد گونی گونی شناسنامه ها پیدا میشدند بدون آنکه شمرده شوند... قرارداد معروف ۵۰ـ ۵۰ پر از وعده های توخالی و خیلی چیزهای دیگر. بعد از تصویب این قرارداد در مجلس فرمایشی وقت، تمام بافته های نهضت ملی پنبه شد. باز جریان نفت بپشت درهای بسته کشیده شد. چرا که در پشت درهای بسته بهتر میشود خیانت کرد. در جرایدصحبت از رهبری خردمندانه بود... رئوس مهم این قرارداد: اولا بخاطر فریب مردم ایران ملی شدن نفت را برسمیت شناختند. عین شیر بی یال و دم. یک شرکت نفت ساختند که بگویند مظهر این ملت است. ثانیا آمدند اداره امور اکتشاف و استخراج را از کنسرسیوم جدا کردند. شرکت اکتشاف و استخراج در عوض شرکت هائی که کنسرسیوم از آنها تشکیل شده بود شروع بکار کرد. شرکتهای تشکیل دهنده کنسرسیوم شرکتهای تجاری بودند که در هلند طبق قوانین هلند با سرمایه ۱۰۰ هزار لیره بثبت رسیده بودند. در این شرکت ها تقسیم سهام باین ترتیب بود: ۴۰٪ انگلیس، ۴۰٪ شرکتهای مختلف امریکائی ۴۰٪ فرانسه، و بقیه هلند. سهم ایران از نفت $\frac{1}{8}$ قیمت تعیین شده اعلام شد. از نظر مالیات طبق قانون مالیات بر در آمد ۵۰٪ بعنوان مالیات به دولت داده میشد و کنسرسیوم ۵۰٪ بقیه را صاحب میشد. تاسیسات خطی که از قصر شیرین شروع و به بلوچستان ختم میشود با ایران تعلق گرفت. در مقابل وظایفی بعهده دولت ایران گذارده شد. اولا انجام خدمات فرعی وابسته به نفت (ساختن بیمارستان، نانوائی، پرداخت بیمه کارگران) و معارجی که قبلا بعهده شرکت نفت سابق بود. ثانیا پخش نفت در ایران

که همیشه به ضرر شرکت نفت تمام شده است. ثالثا اداره نفت شاه تابحال دست استعمار انگلیس بود و حالا برادر بزرگش امریکا هم وارد میشدو در کنارشان فرانسه و هلندکه همه دستجمعی علیه منافع این مملکت اقدام کنند. در مورد سهم ایران که $\frac{1}{8}$ یعنی ۱۲/۵ ٪ قیمت اعلام شده بود طبق قانون ۵۰ـ۵۰ آنرا در پنجاه در صد سود گنجاندند یعنی سهم مالیات ۳۷/۵ در صد میشد. باین ترتیب کلاه بزرگی بر سر ملت ایران گذاشتند. مهمتر از همه قیمت اعلام شده نفت ۲/۱۲ دلار بودکه سهم ایران را بر اساس ۱/۷۹ دلار حساب میکردند. بعد از غوغای تبلیغاتی ایران تازه سهم ایران شد ۱۲/۵ یعنی رسیدیم به قبل از سال ۳۱. علاوه بر اینها قرار شد که ۱۲٪ بهره مالکانه و ۶/۵ ٪ تخفیف قانونی نسبت به قیمت نفت با ایران تعلق بگیرد که ۶/۵ ٪ را دارد. بعد از سقوط لیره انگلیس، ایران بابت سهم خود چند ملیون دلار ضرر کردکه نمیدادند و بالاخره دادند. البته رسیدگی به دفتر ها را معلوم نیست چه کسی انجام داده است ما چه میدانیم که کارشناسان و مستشاران چقدر حقوق میگیرند. چون موضوع به کیفر خواست مربوط نیست! وقتی صبح روز دادگاه به آدم خبر محاکمه را میدهند اینسوری میشود.

اکنون نفت ایران با سرعت بیشتر به غارت میرود. میخواهند قبل از پایان قرار داد ثروت خلق را بتاراج بدهند. ذخائر نفت ایران در سال ۱۹۸۷ بپایان خواهد رسید کل تولید نفت ایران ۲۲۷ ملیون تن است. حساب کنید بهر کس چقدر میرسد. کل درآمد از هر تن نفت ایران برای ایران ۱۸ دلار از ۱۰ دلار بوده است. همین نفت در بازار اروپا ۱۴ دلار بفروش میرسد. اگر مخارج نفت را برای هر تن ٤ دلار بگیریم ۱۸۲۵ ملیون دلار یعنی ۱٤/٤ ملیارد تومان تضییع میشود. آقای دادستان این ارقام را حساب کنید نه ارزی را که برای مسلسل های ما که این همه از آنها عکس گرفته اید خارج میشود اشاره میکنیم به جریانات پارسال نفت، چه جنجالی در باره پیروزی ایران دراویك بر پا شده. الان با عدد ثابت میکنم که چه بدست آمده است. قیمت نفت بطور کلی ۳۳ سنت در هر بشکه افزایش یافته است و مالیات سود ویژه از ۵۰ ٪ به ۵۵٪ افزایش یافته است. اولا بر اثر جنك ویتنام، بر اثر تورم که بصورت بمب روی مردم ویتنام ریخته میشود یا ۲۰٪ افزایش برای تورم پول پذیرفته است. در فاصله ۱۰ سال بین دو قیمت گذاری، دلار ۲۷٪ کاهش یافته است. اگر میخواستند قیمت را ثابت نگهدارند باید قیمت بشکه را ٥٤ سنت اضافه میکردند. این سیر قهقراست نه ترقی. لیبی سهم

خود را از ۲/۰۸ دلار میرساند به ۳/٤٥ دلار. طبق آمار بین المللی ،تورم واقعی سالانه ۹٪ است در حالیکه روزنامه های ایران آنرا ۳/۵ ٪ گزارش میدهند(اطلاعات و کیهان) روی سخن ما به خبرنگاران نیست. ما میدانیم کار از جای دیگری خراب است در لیبی دولت در کلیه مراحل تولید شرکت دارد. در ایران این مساله هنوز حل نشده است. لیبی قرارداد ۵ ساله را بشرطی قبول کرد که کمپانی ها پول را از کشور خارج نکنند و دوباره در لیبی سرمایه گذاری کنند. در ایران بر عکس عمل میشود. با این همه اجحافات مسهم ایران دو ملیارد است ولی آنرا چطور خرج میکنند. یك ملیارد در شرکت نفت خرج میشود. دختر سناتوری را میشناسم که سر ماه از شرکت نفت پول میگیرد یك مقدار بجیب سازمان برنامه و مستشاران میرود. پروژه ساختمان سد دز که سازمان برنامه بآن مفتخر است با دستگاه های الکترونیك ساخته شده است و بکار می افتد و کارشناسان آن اغلب خارجی با حقوق سرسام آوری مشغول بکار هستند. حتی وسائل تعمیر این ماشین ها در ایران موجود نیست. اگر یکی از این دستگاه ها از کار بیفتد یا باید آنرا عوض کنند و یا ببرند خارج تعمیر کنند. نتیجه سد را که برق است سرمایه داری بنام هاشم نراقی با کمك خارجی ها بمردم میفروشد و سودش را بجیب میزند

دکتر مصدق فقید بیاری مردم برای گذاراندن طرح ملی شدن نفت روی کار آمد. برای اجرای همین قانون بود که مردم حکومت را به مصدق سپردند و این تنها حکومت قانونی بود که در ایران بوجود آمد....

ـ رئیس پس از نیم ساعت تنفس: دادگاه به شما در جهت رفع اتهام گوش میکند.

ـ.... از ۲۸ مرداد و از کشتار بعدش میگذریم. بعد از این جریانات دست چپاولهای غارتگر ایران باز میشود. عوائد نفت تا آخرین دلار صرف تهیه اسلحه و مهمات و حقوق مستشاران خارجی میشود. صدها ملیون دلار به جیب شرکت های خارجی میرود. "آرامش" مدیر سازمان برنامه در سال ۱۳۳۹ در روزنامه اعلام کرد که صدها ملیون دلار بعناوین مختلف حیف و میل شده است وعده داده شده بود که ایران با پول نفت بهشت میشود. اما میبینیم ملت ایران هر روز فقیر و فقیر تر میشود. در جواب اعتصاب کارگران کوره پز خانه ۲۰۰ نفر کشته شدند. در اعتصابات معلمین دکتر خانعلی کشته و عده دیگری مجروح شدند. قاتلین مردم ارتقاء درجه یافتند. قاتل خانعلی بریاست شهربانی یکی از شهرستانها منصوب شد. معلمین و کوره پزچی ها فقط اضافه حقوق میخواستند. وقتی رژیم جواب خواسته های قانونی مردم را اینطور میدهد آیا میشود ساکت نشست و

دست به اسلحه نبرد؟

در سال ۱۳۳۶ قانون تشکیل ساواک از مجلس گذشت. ساواک مامور حفظ امنیت و مبارزه با مخالفین شد. قبل از روی کار آمدن دکتر امینی اختناق بحدی بود که هر آن احتمال انفجار میرفت. دکتر امینی در زمان صدارت خود گفت خزانه را برده‌اند چاپیده‌اند. سپهبد کیا رئیس شهربانی علوی مقدم و دکتر اقبال قرار بود به محاکمه خوانده شوند. دکتر اقبال ۲۴ ساعت قبل از دستگیری کشور را ترک کرد و در مراجع قضائی دادگستری اتهام اوزدوده شد. دکتر اقبال برگشت و در بزرگترین مقام اقتصادی کشور قرار گرفت. اتهام میزنند و پس میگیرند. کار مملکت حساب ندارد.

دکتر امینی میآید جبهه ملی و نهضت آزادی بفعالین میافتند مجلس ۲۰ را می بندند و دکتر امینی میرود جبهه ملی کنار میرود. دانشگاه خواستار کسب اجازه تشکیل اتحادیه صنفی میشود. خواسته‌های دانشجویان رد میشود. رئیس دانشگاه دکتر فرهاد استعفا میدهد. دولتها میآیند و میروند و سرنیزه برجا و استوار میماند. برای مبارزه با این خفقان عمومی روحانیتیکه ۵۰ سال کنار کشیده بود وارد صحنه شد. در قم شورشی بپا شد. طلبه‌ها به پلیس حمله کردند و دو نفر کشته شدند. تحرک همه‌گیر میشود روحانی اعتراض میکند بازاری اعتراض میکند، دانشجو اعتراض میکند در نتیجه واقعه ۱۵ خرداد روی میدهد. بعد از ۱۵ خرداد ۴۲ ، حنیف نژاد و سعید محسن و بدیع زادگان معتقد میشوند که با منطق و دلیل نمیتوان حق را گرفت اینها به نهج البلاغه استناد میکردند که باید حق را گرفت. روز ۱۶ آذر باز دانشجویان اعتصاب کردند. از این ببعد مرتب گروههائی با ایدئولوژی انقلاب مسلحانه بوجود می آید. منصورتروور میشود، بیژن جزنی گروهی تشکیل میدهد. پاک نژاد گروه فلسطین را تشکیل میدهد. اتهام میزنند که این گروهها با بختیار ارتباط دارند. ما بختیار را جزء رژیم میدانیم و اختلاف اورا با رژیم قبول نداریم. از گروه طوفان ۴۰ نفر را می کشند. گروه آرمان خلق کشف میشود. در زندان قزل قلعه ناصر مدنی، ناصر کریمی و بهرام طاهرزاده اعدام میشوند.

اواخر سال ۴۹ و در سال ۵۰ گروهی چریکهای فدائی خلق که تحت عنوان سیاهکل شناخته شدند وارد گود میشوند که فعالیتهای آنها هنوز ادامه دارد. "سازمان مجاهدین خلق" و "سازمان رهائی بخش خلق" که به عراق چسبانده شدند کشف میشود و ده ها گروه دیگر که انشاءالله کشف نشده‌اند. اینها نشان میدهد که وضع

طوری استکه راه دیگری وجود ندارد وحرف یك نفر و ده نفر نیست. صدها مهندس که مارك جهالت بآنها نمیچسبد در این راه اند. مهندس هوشمند ماهی ۱۶۰۰۰ تومان حقوق میگیرد پس مساله شخصی نیست. در سال ٤٠ حد اکثر اعلامیه پخش میکردند ولی امروز در سال ۵۰ مسلسل بدست میگیرند. موج مبارزات خاموشی نگرفته بلکه شدیدتر هم شده است. کشف یك گروه نباید باعث ناراحتی بشود. پیروزی ساده و زود بدست نمی آید حضرت علی میگوید: « خداوند هیچگاه گردنکشان روزگار را خود نابود نمیکند. بآنها مهلت میدهد که اگر بر نگردند بیشتر فرو روند و مردم را اجرا کننده عدل الهی می کند». « خداوند استخوان هیچ ملتی پیوند نمیدهد و استحکام نمیبخشد مگر بعد از سختی ها و گرفتاری ها ». خطبه آوردم که نگویند اسلام را ملعبه دست خود قرار داده است از ریختن خون یکنفر صدها نفر مثل او بر میخیزند. سال ۱۳۵۰ سر آغاز این مبارزه است. سالی است که مبارزین ملت، مبارزات مسلحانه و جنگهای توده ای در روستاها را تنها راه نجات میدانند. ویتنام، فلسطین و امریکای لاتین چنین راهی را انتخاب کرده اند. گروه « سیاهکل » با دادن ۳۲ شهید و ۶ محکوم به اعدام [تا آنوقت و تا حدی که رجوی اطلاع داشته] و ده ها زندانی پیشاهنگ این راه بزرگ بوده است. بموازات اوج گیری مبارزه و پیدایش گروههای مسلح، رژیم بیش از پیش دست بدامان بیگانه شده است. دست سرمایه داران بیش از هر موقع در ایران باز است و با تشویق و تضمین سرمایه گذاران در توسعه صنعتی و معدنی و کشاورزی، ایران را بهشت سرمایه گذاری خوانده و آنها را بخاطر حفظ منافع کنونیشان بنگهداری رژیم کنونی تشویق میکند. باین جور خراج ثروتهای ملی کشور و بهره کشی از منابع انسانی چه نامی میشود داد؟ پیوند طبیعی کشورهائی که دارای زمینه های مادی و فرهنگی مشابهی هستند مثل کشور ما و فلسطین باعث ایجاد زمینه های مشترك انقلابی میشود و برای همین است که رژیم ایران از تاثیر انقلاب فلسطین و نهضت آزادیبخش در سواحل و شیخ نشین ها در مملکت ما میترسد و میکوشد بصورت پایگاهی مطمئن بر ضد این جنبش ها وبصورت ژاندارم منطقه ای درآید... در سیستان، در فارس، در زابل حمام ها دو ماه دوماه تعطیل است. مردم بچه هایشان را میفروشند. فقر و گرسنگی حدود ۵۰۰ هزار نفر را از سیستان فراری داده است. می بینیم که بودجه دفاعی کشور به ۴۳٪ افزایش یافته است. (۲۲٪ اضافه شده است). با ترویج فساد سرمایه داری غرب و اشاعه افکار لاابالی گری از طریق انتشارات و مطبوعات کثیفی مانند زن روز و اطلاعات هفتگی و

ایجاد کاخ های جوانان که با ظاهر آراسته شان ،بجای بالا بردن سطح دانش ، هرزگی را رواج میدهند. جوانان ما را ازپرداختن به مسائل اصلی و مبتلا بـــه خود و جامعه باز میدارند. نصف برنامه های رادیو تلویزیون در باره روابـــط دختر و پسر است. بجای آموزش علم ،عشق به مدرك را رواج میدهند. روزی چندین هزار مدرك صادر میکنند. جهت ایجاد روحیه یاس و از خودباختگی خفقان شدیـــد اعمال میکنند. ساواك ملیونها پول در اختیار دارد. برای دستگیری من ۵۰ اتوموبیل مرا تعقیب میکردند. برای دانشگاه کادر مسلح میگذارند. در ادارات هیچ کارمندی بدون پر کردن پرسشنامه های عریض و طویل ساواك استخدام نمیشـود و هزارمثال دیگر. هر کجا برویم با ساواك سر و کار داریم . افسران بـــازنشسته را رئیس حفاظت کارخانه ها و ادارات و دانشگاه ها میکنند. کارگر روزی ۹ ساعت کار میکند و تا لب باعتراض باز کند کتك و شکنجه نصیبش میشود. در شیراز شاهد مکالمه نماینده بازرسی شاهنشاهی با کارگر کارخانه سیمان فارس بودم . از کارگر سوال کردند خانه داری؟ رادیو وتلویزیون داری؟ گفت ندارم . بـــه زندان دورود حوالهاش کردند.

به پلیس و ساواك در پیدا کردن گروههای مبارزین اختیار تام دادهاند . آقای ساقی رئیس زندان قزل قلعه میگوید همانطورکه تا بحال گوسفند میکشتیدبا آنها رفتار کنید.... کارگران جهان چیت که برای اضافه حقوق اعتصاب کرده بودند در کاروانسرا سنگی به مسلسل بسته شدندو ۱۲ کشته دادند. در اردیبهشت امسال به دانشگاه آریامهر و دانشگاه تهران و حتی به استادان حمله کردند. ده نفر از دانشجویان را که مشغول بازی شطرنج بودند بدون هیچگونه مجوزی بازداشـــت کردند و آنها هم متقابلا اعتصاب غذا کردند. آیت اله طالقانی به زابل تبعیـــد شد. محکومیت های طویل المده در انتظار دارندگان کتب متضاد با منافع رژیـــم حاکم ایران است. رژیم چاره ای جز شدت عمل ندارد. این نشانه احتضار اوست. متهمین سیاسی در ساواك و اطلاعات شهربانی با وحشیانهترین شکنجه ها روبرو می شوند. طبق ماده ۱۳۱ هر کدام از مامورین متهمی را برای گرفتن اقرار شکنجـــه بدهند مسئولند. اگر شکنجه به مرك بیانجامد مامور قاتل محسوب میشود.. سوزاندن با اجاق برقی ،کشیدن ناخن ، شلاق سیمی ،استعمال بطری ،تجاوز و انواع دیگـــر شکنجه ها از طرق معمولی اقرار گرفتن ،در شکنجه گاههای ساواك است. مسعـــود

احمد زاده دو ماه در بیمارستان بستری بود و بارها عملش کردند. او از شکنجه باطوم و ریختن اسید چنان میسوخت که نهایتداشت. بهروز دهقانی زیر شکنجه شهید شد. شدت ضربات به حنیف نژاد بقدری بود که استخوانهای پا و دست و دماغ و گوش او شکسته شد. عدهای از متهمین شنوائی خود را از دست دادند.... شما تحمل شنیدن اظهارات ما را ندارید. ما از رژیم جز این انتظاری نداریم. با امید روزی که ملت خائنین را به دادگاه بکشاند. مرگ بر امریکا و امپریالیسم. درود به مردانی که رنج انقلاب را تحمل کردند.

★ ★ ★

از آنچه در دادگاه گذشت

* * *

ناصر صادق: ما راه حل غیر مسالمت‌آمیز و دست بردن به اسلحه را انتخاب کردیم.

* * *

علی میهندوست: همینجا اگر اسلحه داشتم دادستان را بخاطر بیعدالتیها یش میکشتم.

* * *

مسعود رجوی: ما سلاحها را برای عناصر پلیدی مثل شما آماده کرده بودیم.

* * *

وکیل مدافع تسخیری متهمین یک تا چهار گفت: اینها کتب مارکسیستی را بخاطر رد رویه مارکسیسم مطالعه میکرده‌اند ...

صادق حرف او را قطع کرده گفت: درست است که ما مسلمانیم و مطالعات اسلامی داریم ولی به مارکسیسم بعنوان یک مکتب مترقی اجتماعی احترام میگزاریم.

آخرین دفاع محمد باقر کانی

ـ بعنوان آخرین دفاع ،با توجه به نزاکت دادگاه میتوانید مطالب خود را بیان کنید.
ـ آنچه متهم اول اظهار داشت مورد تائید بنده است.
ـ اظهارات متهم اول را کنار بگذارید و اگر مطلب تازه ای دارید بگوئید.
ـ ما اظهارات دادستان را تحمل کردیم شما هم به حرفهای ما گوش کنید. ما خود را به عراق نفروخته ایم. آقای دادستان ،بقول برشت: "آنکس که حقیقت را نمیداند نادان است ولی آنکس که حقیقت را میداند و می پوشاند تبهکار است" آقای دادستان، شما کاسه از آش داغتر هستید. من بشما حق میدهم که با بزنجیر کشیدن ما موقعیت خود را مستحکم کنید. به ستاره هائی که به شانه هایتان زده اید نگاه کنید. از خون جوانان وطن رنگ گرفته است در مورد بعضی از اتهامات وارده در کیفر خواست چون آقای ناصر صادق به بعضی از آنها اشاره کرد بخاطر تنگی وقت توضیح بیشتری نمیدهم در مورد مهمترین اتهام ناروائی که مقام امنیتی بما زده است یعنی تماس با عراق، حرفهائی دارم که میزنم. تماس ما با خارج در دو جبهه صورت گرفته است. یکی تماس با مقاومت فلسطین که چون سازمانی ضد امپریالیسم است و بخاطر تجارب انقلابی میتواند موثر واقع شود ،بمنظور گذراندن تعلیمات پارتیزانی مورد استفاده قرار گرفته است و دیگر در مورد سازمان کنفدراسیون که پیوندی است بر علیه دشمن واحد. اتهام رابطه با عراق نیز تهمت سیاسی است. ما با دولت عراق هیچ تماسی نداشتیم و بهیچوجه تعهد سپردن وقول همکاری در میان نبوده است. برادران ما بعد از نشانک هواپیما در عراق مورد سوء ظن قرار گرفتند. بعد از آن فرود ،اجبارا مدت کوتاهی در آنجا توقف کردند و سپس به پایگاه فتح در لبنان رفتند. در کیفر خواست معلوم نیست که اگر ما تعهد داده ایم در عوض چه امتیازی گرفته ایم. مگر بما اسلحه داده اند ؟ تعلیمات داده اند؟ کدام یک؟ ما بعلت نداشتن رابطه حتی از خاک عراق عبور نکردیم بلکه دور زدیم. میتوانستیم از مرز ایران وارد عراق شویم ولی ایران ، دبی ،بیروت و عمان را دور زدیم که از خاک عراق عبور نکرده باشیم. در کیفر خواست صحبت از گرفتن کمک شده است. ما نه از عراق و نه از هیچ منبع دیگری کمک دریافت نکردیم. هیچ سندی در این باره به دادگاه داده نشده است. من در عمان بودم و کلیه سلاح ها و مهمات را از قاچاقچیان خریداری میکردم و احتیاجی بکمک عراق نبود. ما این قبیل تلاش مذبوحانه را اقدامی بمنظور درهم کوبیدن اتحاد خلق

ایران میدانیم . در کیفرخواست آمده که ما از بازاری‌ها پول گرفته‌ایم و با آن اسلحه خریده‌ایم. همانطورکه برادرم ناصر صادق توضیح داد پول اسلحه اکثرا توسط تشکیلات مرکزی تامین شده بود. ماهی ۳ هزار تومان بودجه این کار بوده است. این پولها بوسیله بدیع زادگان ،باکری ،ناصر صادق و حنیف نژاد تهیه میشد. حنیفنژاد چون دوستانی را در بازار داشت که بر پاك بودن او واقف بودند و میدانستند که این پولها را صرف مبارزه میکند و اورا قبول داشتند اگر پول میخواست دراختیارش می گذاشتند. مسئله پول در کیفرخواست زیاد بزرگ شده در حالی که شاید فقط چند هزار تومان صرف خرید اسلحه شده باشد. در مورد تعداد اسلحه ومهمات هم اغراق شده مثلا گفته‌اند ما ۵۰۰ نارنجك داشتیم . در حالی که ۹۰ نارنجك بیشتر نداشتیم. گفتند بدیع زادگان چهار اسلحه کمری و چهار مسلسل با خود آورده بود. من که ندیدم. در مورد مطالب دیگر کیفرخواست توضیح نمیدهم .

ما و کسانی نظیر ما وقتی در چنین دادگاهی قرار میگیریم معمولا دو نوع می توانیم از خود دفاع کنیم . دفاع حقوقی و دفاع ایدئولوژیك ... در بازجوئی‌خواستند بگوئیم چه عواملی باعث‌شده ما باین‌جا کشانده شده‌ایم. ما پاك‌ترین جوانهای این ملت‌هستیم . می گویند شما که میتوانید صاحب مقام و منصب‌شوید، مرفه باشید،چرا میخواهید تا آخر عمر در زندان بپوسید،یا مقابل‌جوخه آتش‌قرار گیرید؟ روشن شدن این مطلب‌حتی برای‌دادستان میتواند مفید باشد. دادگاه واقعی از نظر ما دادگاه عدل الهی است.

وقتی تاریخ ایران را ورق بزنیم هیچ دوره‌ای را نمیتوان یافت که خلق ما برای گرفتن‌حق خود در مقابل‌حکومت‌استعمار ساکت‌نشسته باشد. هر ساله عده زیادی‌را به محاکمه میکشند و محکوم میکنند. امروز نوبت‌ماست که بعنوان توطئه محاکمه می شویم . توطئه گر واقعی ،ما هستیم یا اینهائی که ما را به محاکمه کشیده‌اند. در ماه گذشته فعالیتهای انقلابیون شامل انفجار و کشتار و شهادت‌انقلابی بوده است سال گذشته ۱۳ نفر از افراد گروه سیاهکل‌اعدام شدند(تا آنجا که بازرگانی مطلع شده) معلمین و کارگران شرکت‌واحد و دانشجویان دانشگاه اعتصاب کرده‌اند. این تازه آغاز کاراست. هیچ توطئه‌ای موفق به فرونشاندن کامل‌شعله‌های آزادیخواهی نشده است. با گفتن این مسائل باید توضیح بدهم چرا اینطور است. چرا تاریخ معاصر با خون جوانان رنگین میشود ؟ چرا گروههای مهاجم پیوسته رشد میکنند؟ چرا

این فرزندان خلق در کار رهائی خلق هستند. اینها اگر بخواهند بقول خودتان از همه چیز برخوردار شوند میتوانند ولی چرا اینطور بی باکانه روانه زندان میگردندو یا در مقابل جوخه آتش قرار میگیرند. علم الاجتماع انقلابی بهمه این سوالات جوابمیدهد زیرا این علم الاجتماع در صدد یافتن علت و معلول است. من آنطورکه از حرفهای آقای دادستان استنباط کردم نمیخواهند مسائل را بشکافند و علت اصلی را پیدا کنند. بما اتهام توطئه میزنند و تقاضای اعدام میکنند. او از خودش نمیپرسد که این جوانان چرا باین راه کشیده شده‌اند و آیا من حق دارم برای آنها تقاضای اعدام کنم ؟ علم الاجتماع انقلابی توانسته است بر مبنای تشخیص " علت موجب معلول است " باین سوال جواب بدهد. جامعه شناسی انقلابی میگوید زیر بنای هرجامعه اگر جامعه استثماری باشد قطعا مبتنی بر استثمار طبقه زحمتکش است. اگر رابطه ،رابطه استثمار بردگی باشد طبقه زحمتکش برده است و الی آخر .... بنا بر این تنها ضابطه تعیین کننده در یک جامعه اوضاع اقتصادی آن جامعه است. اقتصاد و روابط تولیدی رلعمده دارد. در حال حاضر روابط امپریالیستی و سرمایه داری بر جهان حکمفرماست. مواد اولیه از کشورهای استعمار شونده خارج و با سود فراوان بخود آن کشورها باز گردانده میشوند. صدها ملیارد دلار خرج صنایع نظامی و جنگی میشود. مهمترین امتیاز انسان بر حیوان اینست که انسان با کارش دنیای خارج را تغییر میدهد و با این تغییر صفات انسانی او تغییر میابدو حاصل آن حفظ بقاء و تکامل خود و اجتماع است. اگر جامعه طوری باشد که یک عده کار کنند و یک عده دیگر از دسترنج آنها استفاده کنند جامعه به هیچ جا نمیرسد. بهره کشی انسان از انسان خیانت به سرنوشت بشریت است واقعیات عینی و شکل استثمار در تاریخ متفاوت بوده است ولی شدت آن تغییر نکرده است. بهره کشی ارباب از رعیت و سرمایه دار از کارگر فقط اسامی رژیم را عوض می کند. در قرآن آمده است که " نه بحق دیگران تجاوز کنید و نه بپذیرید که بشما تجاوز شود " شبکه عریض و طویل بانک‌ها که اساسشان بر رباخواری است و هزارفامیل مثل فرمانفرمائیان معلم و ایلقانیان تمام منابع جامعه را بخود اختصاص داده‌اند و تمام ثروتها را نزد خود انباشته‌اند. موسسات انتفاعی چاره ندارند جز اینکه یا بهره بیشتری بپردازند و یا تعطیل شوند. این پول‌ها در کاباره ها ،پشت میزهای قمار و سالن های رقص و اماکن دیگر خرج میشوند.

از همین جاست که مجالس فرمایشی و قلابی تاسیس میشود و از فرهنگ و هنر جز

یك پوسته تو خالی چیز دیگر باقی نمیماند. کتب گمراه کننده و توجیه کننده وعمال و خائنینی چون مصباح زاده و مسعودی‌ها و ... هستند که با انتشاراتی چون زندوز و توفیق باعث رواج فساد میشوند. خلاصه اینکه در جامعه‌ای که زیر بنا استثماریست مذهب بصورت آلت دست برای رسیدن بمقاصد هیات حاکمه در آمده هیات حاکمه ازمذهب بعنوان موید سیستم اقتصادی خود استفاده میکند. اگر به بررسی بپردازیم ،از تحلیل علمی همین نتایج گرفته میشود. جنبش ۱۵ خرداد اثبات کننده این مدعاست

از آنجائیکه میدانیم بهترین پناهگاه برای انقلابیون روستاست ،روستائیان را داخل شهر متمرکز میکنند. طرح دوم کشت و صنعت با اینهمه سلام و صلوات و تبلیغات ظاهرا برای توسعه کشاورزی ریخته شده بود ولی در واقع بمنظور فروختن زمین به قیمت ارزان به مالکین بزرك ،خارجیان و بخصوص امریکائی هاست. در اطراف رضائیه دهکده آبادی بود که اکنون فقط ٤ خانوار دارد. زمینهای زیر سد دز خوزستان را در اختیار «ایران ـ کالیفرنیا ـ شل» و شرکت «ام ـ اچ» گذاشته‌اند. در سالگشته هاشم نراقی از یك نوع سبزی ملیونها تومان سود برده است و سهم دولت ۱٪ اجاره بها و ۲٪ مالیات بوده‌است. ساختن سد دز که به آوارگی عده‌ای از هموطنان ما منجرشده است یك ملیارد و نیم تومان برای کیسه ملت خرج برداشته است. طرح عمران قزوین جیرفت و کهگیلویه بظاهر برای بالا بردن سطح تولید و در واقع تاراج ایران بدست اسرائیل است. یك کارشناس اسرائیلی ماهانه ۳۵ هزارتومان میگیرد. اینها وطن خلو را میفروشند یا ما ؟ اینها خیانت میکنند یا ما ؟ قضاوت با ملت است. مردم زیر فشار اقتصادی قرار دارند. چرا نباید مردم در مقابل امپریالیسم قدرت ابتکار را بدست گیرند و چرا نباید قادر به جلوگیری از اجرای طرح موجود باشند. در قرآن آیه ای آمده است که میگوید« چرا در راه خدا و زنان و مردان و کودکان درمانده که منتهای آرزویشان رهائی از قید ستمکاران است به پیکار بر نمیخیزید؟» تاریخ نشان میدهدکه از کاوه آهنگر تا کارگران چیت سازی ری بر اثر ازدیاد هوشیاری سیاسی راه خود را بهتر شناخته و بسوی انقلاب پیش میروند کما اینکه هم اکنون عده‌ای سلاح به دست گرفته‌اند. به خلیل سلمانی نژاد کارگر انقلابی درود میفرستیم. از این پس میان خلق و رژیم جز دریائی از خون هیچ وجود نخواهد داشت. در آخرین روزهای سال گذشته ۱۴ نفر اعدام شدند. با تجارب تاریخی ۵۰ سال اخیر هیچ راهی بجز مبارزه مسلحانه به مقصد نمیرسد. ملت از راه تجربه آموزی شیوه های مختلف بدست آورده. پس از گذشت

۶۵ سال از انقلاب مشروطه چه راهی بجز در دست‌گرفتن اسلحه باقی میماند؟ بی‌تردید خلق صرفا به ندای خطیبانی گوش میدهد که کلامشان سربی است. جنگ چریکی آغاز شده است. این جنگ در شهر ها ادامه دارد و ایجاد پایگاه سیاسی خواهد کرد. بسرای جلوگیری از تلفات بیهوده ، استفاده از شیوه عمل انفجاری تجویز صحیحی است ، تا آنکه تعمین نابودِ نابود باد.

www.KetabFarsi.com

مجاهدین شهید

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه. فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا (احزاب ۲۳) . از مومنین جوانمردانی هستند که نسبت به پیمانشان با خداوند وفادار مانده‌اند. عده ای از آنها به پیمانشان وفا کردند و عده ای در انتظار [لحظه انجام رسالت خود و وفای بعهدی که با خداوند بسته اند] بسر میبرند. اینها هرگز پیمان شکنی نمیکنند.

۱ ـ مجاهد احمد رضائی ـ اولین شهید سازمان مجاهدین خلق ایران که با اقدام جسورانه و متهورانه اش راه نوینی را در عمل برویمان گشود. او مظهر خشم و تنفر و آشتی ناپذیری با دشمنان خلق بود.

۲ ـ مجاهد مهندس محمد حنیف نژاد بنیان گذار و رهبر مجاهدین خلق ایران که در تاریخ مبارزات انقلابی کشور ما ستاره ای درخشان بود و با افکار و اندیشه بیکرانش و ایمان و صداقت خالصانه اش یک انقلابی ممتاز و یک مسلمان نمونه بود.

۳ ـ مجاهد مهندس علی اصغر بدیع زادگان بنیان گذار سازمان مجاهدین خلق ایران که نمونه درخشان جسارت و شور انقلابی بود وی در صفوف مقدم جبهه نبرد با صهیونیسم و امپریالیسم جنگید و در روزهای خونین سپتامبر همراه برادران پیکارگر فلسطینی بر علیه ارتجاع اردن بنبرد پرداخت. در موقع بازگشت با یران او هدایای برادران را که مقادیری بمب و فشنگ و نیز مسلسل بود بهمراه داشت. بعد از دستگیری ٤ ساعت تمام اورا روی اجاق برقی از ناحیه پشت سوزاندند ولی لب را زدارش را نگشود و بعد از ٤ ماه که مورد عمل جراحی قرار گرفت سرانجام در حالیکه رمقی بر تن نداشت اورا کشتند. اصغر سمبل مقاومت و رازداری خلق ماست.

٤ ـ مجاهد سعید محسن بنیان گذار سازمان مجاهدین خلق ایران ،مظهر عالی صداقت و رفاقت انقلابی که با اندیشه عمیقی آموزگار بزرگی برای ما بود.

۵ ـ مجاهد محمود عسکری زاده از کادر رهبری ـ دلاوری از توده رنجبر که استثمار و رنج و سختی خلق را بجان میشناخت.

۶ ـ مجاهد مهندس رسول مشکین فام ازکادر رهبری که با نام مستعار شهید حسن سلامه قهرمان فلسطینی مدر روزهای خونین سپتامبر در کنار برادران پیکارگر فلسطینی بر علیه صهیونیسم و ارتجاع و امپریالیسم مردانه جنگید.

۷ ـ مجاهد مهندس ناصر صادق از کادر رهبری مدلاوری که یك لحظه در نبرد با دشمن آرام نداشته هیچکس ناصر را آرام و ساکت ندید.

۸ ـ مجاهد مهندس علی باکری ازکادر رهبری که مدت یکسال از جمله در روزهای خونین سپتامبر در کنار برادران فلسطینی مردانه جنگید و با دانش وسیعش در زمینه مواد انفجاری و استعداد سرشارش حربه های نابود کننده ای در اختیار ما و برادران گذاشت.

۹ ـ مجاهد مهندس علی میهن دوست ازکادر رهبری که در بیدادگاه شاه گفت اگر هم اکنون مسلسل بدست داشتم همه شما را برگبار می بستم . علی برای همه ما برادری صمیمی وصدیق بود.

۱۰ ـ مجاهد محمد بازرگانی ازکادر رهبری مظهر صداقت و صفا و سرباز صمیمی میدان پیکار که همواره از شور انقلابی لبریز بود.

۱۱ ـ مجاهد مهندس علی اصغر منتظر حقیقی که طی دو مرحله درگیری در خیابان شاهپور و میدان خراسان با کشتن دو مزدور کثیف شاه در حالی که دوزخم مهلك گلوله برتن داشت و بیجان بر زمین افتاده بود اورا ازناحیه پا برگبار گلوله بستند. او که متخصص مواد انفجاری بود از خود تجارب و ساخته های دیقیمتی برای انقلاب بجا گذاشته

۱۲ ـ مجاهد حبیب اله رهبری که در صفا و پاکی واستواری در نبرد نمونه ای درخشان بود. ده سال از ۲۵ سال زندگی انقلابیش در پیکار گذشت.

درود بر همه شهیدان خلق از گروه پیشتاز " چریکهای فدائی خلق" نخستین حماسه آفرینان انقلاب مسلحانه خلق ایران که با خون پاکشان آنقدر به نهال انقلاب نوشاندند تا بارور شد. درود بر همه شهیدان گروه " آرمان خلق " مظاهر صداقت و تهور.

درود بر همه شهیدان نهضت ملی ایران ، پیشگامان مبارزه با استعمار و ارتجاع در خاور میانه .

بخون آنان همگی سوگند یاد میکنیم که انتقام خون پاکشان را از قاتلین رذل و حیوان صفتشان خواهیم گرفت. جاویدان باد خاطره شهیدان قهرمان وحماسه آفرین خلق ایران .پیروزباد مبارزه مسلحانه خلق. مستحکم باد وحدت انقلابی پیکار گران .

محمد حنیف نژاد

سعید محسن

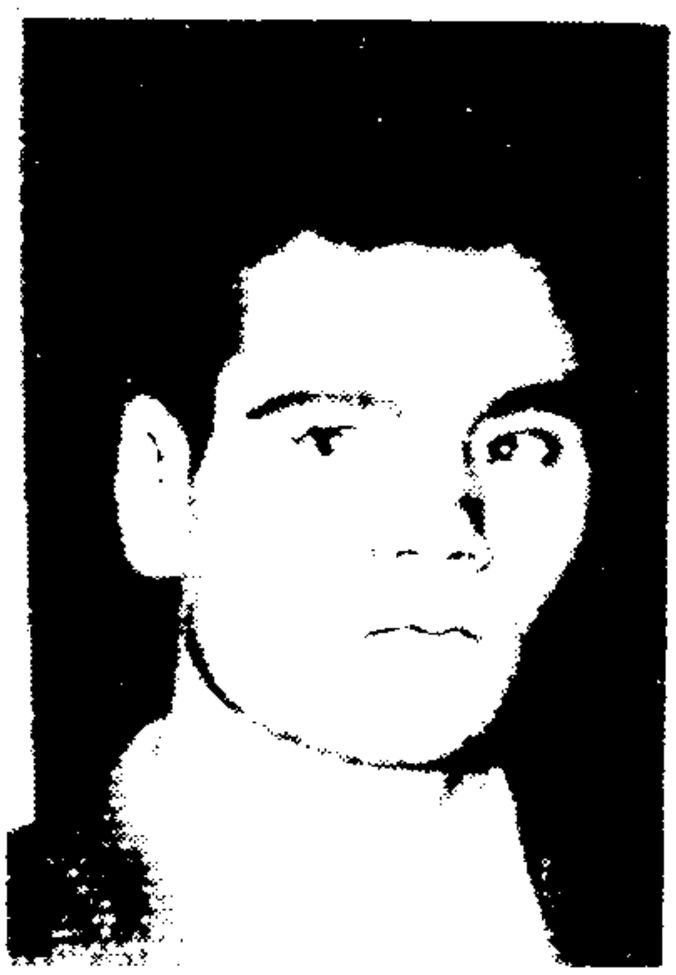

اصغر بدیع زادگان

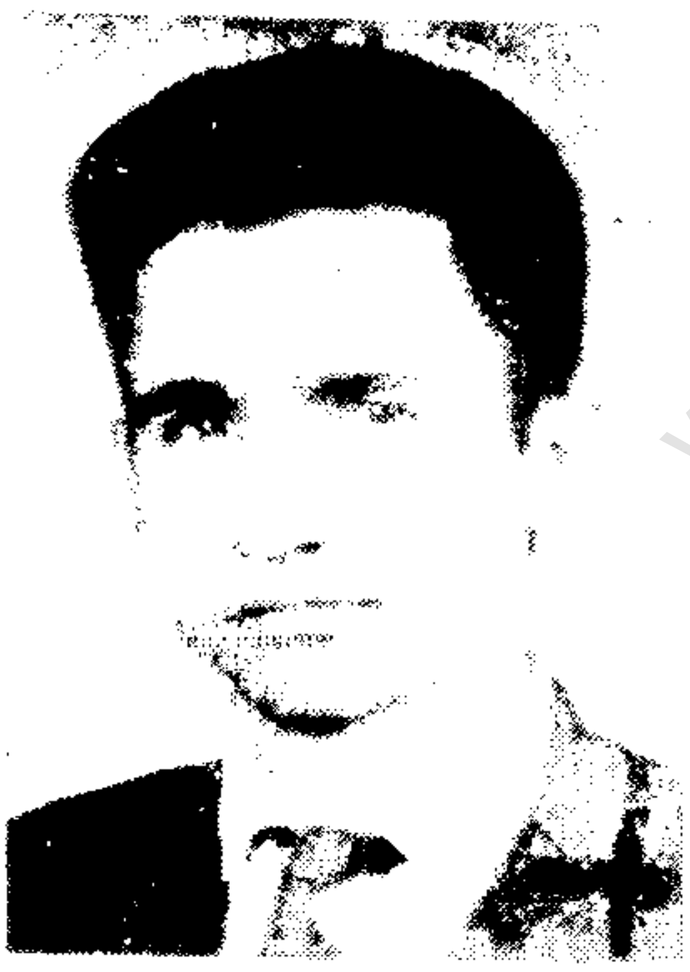

علی باکری

رسول مشکین فام

محمود عسگری زاده

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

تکثیر و توزیع از :

نهضت آزادی ایران (خارج ازکشور)

P.O. BOX 4485 SPRINGFIELD, MO. 65804

خردادماه ۱۳۵۵

بهاء برابر ۳۰ ریال

چاپ دوم